

امام خامنه‌ای (حفظه الله): در میدان تبلیغات، به
دفاع اکتفا نکنید؛ آرایش جنگی بگیرید.



«مهندسی تبلیغ تساهمی»

بسته ویژه ماه مبارک رمضان
ویژه اساتید، طلاب و مبلغان و فعالین عرصه فرهنگی

قرارگاه جنگ ترکیبی باغ مبین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



تقديم به اشرف مخلوقات

حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفیٰ (ص)



طرح جامع آموزشی - تبلیغی
«**مهندسی تبلیغتهاجمی**»

ویژه تجهیز شبکه تبلیغی
(اساتید، طلاب و مبلغین)
برای عملیات رمضان و نوروز

پژوهشگر: **مصطفی نگارشی**

قرارگاه جنگ ترکیبی بلاغ مبین

بهمن ۱۴۰۴

فهرست عناوین

- ❖ مقدمه و ضرورت
- ❖ بخش اول؛ سرفصل های دوره
آنچه یک مبلغ باید بداند
- ❖ فصل اول؛ مهندسی معنوی جامعه
- ❖ فصل دوم؛ مهندسی اجتماعی و سیاسی
- ❖ فصل سوم؛ مهندسی صبر و ثبات
- ❖ فصل چهارم؛ مهندسی حرکت مقتدرانه امت تحت امر ولایت
- ❖ فصل پنجم؛ مهندسی صحنه و آینده پژوهی نبرد
- ❖ سخن پایانی با اساتید، طلاب و مبلغین
- ❖ بخش دوم؛ منشور عملیاتی تبلیغ
آنچه یک مبلغ باید بگوید
- ❖ فصل اول؛ سیاست های کلی تبلیغ و جهاد تبیین
- ❖ فصل دوم؛ مهندسی پیام و تفکیک محتوا بر اساس مخاطب
- ❖ آنچه گذشت

مقدمه و ضرورت

۱. تحلیل موقعیت؛ عبور از گردنه‌ی تاریخ

انقلاب اسلامی ایران اکنون در حساس‌ترین مختصات زمانی و مکانی خود، یعنی مرحله‌ی «گذار تمدنی» و «نزدیکی به قله» قرار گرفته است. طبق سنت‌های الهی و قوانین حاکم بر تحولات اجتماعی، فشارها در قدم‌های آخر منتهی به فتح، به اوج خود می‌رسد. در این مقطع، جبهه استکبار که از رویارویی نظامی و سخت با ایران مقتدر ناامید شده است، تمام توان خود را بر «جنگ شناختی» و «ترور امید» متمرکز کرده است. هدف دشمن در این کارزار، نه اشغال خاک، بلکه «اختلال در دستگاه محاسباتی مردم و نخبگان» و القای حس کاذب «بن بست» و «فروپاشی» است.

۲. ضرورت تغییر پارادایم؛ از «پدافند» به «آفند»

در شرایطی که دشمن با «بمباران یأس» و بزرگ‌نمایی مشکلات معیشتی، سعی در گسستن پیوند «امام و امت» دارد، الگوی تبلیغی سنتی و صرفاً «پاسخگو» (پدافندی) دیگر کارآمدی لازم را ندارد. مبلّغ تراز انقلاب اسلامی در این برهه، نمی‌تواند صرفاً در جایگاه «مدافع» بنشیند و به شبهات پاسخ دهد؛ بلکه باید با اتخاذ رویکرد «تبلیغ تهاجمی»، ابتکار عمل را در دست گرفته و صحنه را بازآرایی کند.

ضرورت تدوین این بسته محتوایی، گذار مبلّغین از جایگاه «سخنران مذهبی» به جایگاه «طبيب دوار» و «مهندس افکار عمومی» است؛ مهندسی‌ای که بتواند با استفاده از فناوری‌های نرم قرآنی (نظیر سکینه، صبر فعال و نصرت)، بر تکنیک‌های جنگ روانی دشمن (نظیر اضطراب، ترس و تفرقه) غلبه کند.

۳. رسالت طرح؛ معماری ذهنیت جامعه

بسته آموزشی «مهندسی تبلیغ تهاجمی»، یک منظومه فکری و عملیاتی است که با هدف تجهیز شبکه تبلیغی کشور (طلاب و روحانیون) برای عملیات رمضان و نوروز ۱۴۰۴ تدوین شده است. این طرح با تلفیق «مبانی اصیل وحیانی» و «تحلیل‌های کلان راهبردی»، به دنبال تحقق اهداف زیر است:

- مدیریت معنوی بحران: تبدیل «اضطراب معیشتی» به «آرامش ایمانی» با تکیه بر توحید افعالی.
- بازدارندگی ذهنی: فعال‌سازی حافظه تاریخی و غیرت ملی برای فهم هزینه سنگین سازش در برابر مقاومت.
- اصلاح قرائت از صبر: تبیین صبر نه به عنوان انفعال، بلکه به مثابه استراتژی «قله‌نوردی» و «پیشرفت».
- افق‌گشایی: ترسیم آینده روشن تمدنی و اثبات علمی افول جبهه استکبار.

نتیجه‌گیری

این نوشتار، نقشه‌ی راهی است برای مبلّغینی که می‌خواهند در میانه‌ی میدان، «روایت‌ساز» باشند. رسالت ما در این فصل، آن است که با «جهاد تبیین»، غبارِ فتنه‌ها و سختی‌ها را کنار زده و چشم‌اندازِ باشکوهِ پیروزی و نصرت الهی را پیشِ روی چشمان منتظرِ جامعه قرار دهیم.

و السلام علی من اتبع الهدی
قرارگاه جنگ ترکیبی بلاغ مبین

بخش اول

سرفصل‌های دوره آموزشی

(آنچه یک مبلغ باید بداند)

پیش از اعزام، مبلغین محترم می‌بایست به «بلوغ تحلیلی» درخوری برسد تا بتواند در میدان جنگ شناختی، آرایش جنگی مناسبی مطابق فرمان امام خامنه‌ای (حفظه الله) بگیرند.

فصل اول

مهندسی معنوی جامعه

از «اضطراب مادی» تا «سکینه الهی»

موضوع: راهبرد احیای نورانیت، مدیریت قلوب و تثبیت آرامش در طوفان حوادث

۱. استراتژی «تزریق سکینه» در برابر «پمپاژ اضطراب»

الف) تحلیل میدان (آسیب شناسی)

دشمن در جنگ شناختی، با بهره‌گیری از تکنیک «اضطراب» (شایعه‌سازی هراس افکنانه که در سوره احزاب به آن اشاره شده)، به دنبال تخریب «دستگاه محاسباتی مردم» است.

استراتژی دشمن، ایجاد «بمباران خبری منفی» است؛ بزرگ‌نمایی فساد، القای ناکارآمدی حاکمیت، و ایجاد هراس از آینده اقتصادی و جنگ. هدف غایی، رساندن جامعه به نقطه «یأس مطلق» و «انسداد ذهنی» است تا جایی که مردم احساس کنند در یک بن‌بست تاریک گرفتار شده‌اند و پناهگاهی ندارند.

ب) مبانی قرآنی و کلامی (پادزهر)

پادزهر این سم مهلک، «مدیریت الهی آرامش» یا همان «سکینه» است. در منطق قرآن، آرامش صرفاً یک حالت روان‌شناختی نیست؛ بلکه یک «موهبت لدُنّی» و یک «سرباز نامرئی خدا» است که بر قلب مؤمن نازل می‌شود تا در اوج تلاطم، ثبات قدم داشته باشد.

آیات کلیدی برای استناد مبلغ:

- نزول سکینه برای ازدیاد ایمان:

«هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ...» (فتح/۴)

(اوست که آرامش را در دلهای مؤمنان نازل کرد تا ایمانی بر ایمانشان بیفزایند...)

نکته تفسیری: سکینه، مقدمه «ازدیاد ایمان» در بحران هاست. بدون سکینه، ایمان در طوفان حوادث ذوب می‌شود.

- آرامش در اوج خطر (غار ثور):

«...فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا...» (توبه/۴۰)

(پس خدا آرامش خود را بر او فرو فرستاد و او را با سپاه‌ایانی که آنها را نمی‌دیدید تأیید کرد...)

- منطق «نترسید و غمگین نباشید»:

«وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران/۱۳۹)

(و سست نشوید و غمگین مگردید! و شما برترید اگر ایمان داشته باشید.)

ج) تکنیک عملیاتی مبلغ (دستورالعمل منبر)

۱. پرهیز از انکار، تمرکز بر «توحید افعالی»: مبلغ نباید مشکلات معیشتی را انکار کند (که خلاف صداقت است)، بلکه باید زاویه دید را تغییر دهد. باید تبیین کند که «مدبرِ عالم، الله است نه دلار و نه کدخدا».

۲. تبدیل تهدید به فرصتِ توسل: باید به مردم آموخت که اضطراب، زنگ هشدار است برای بازگشت به آغوش خدا.

۳. بیان مصداقی: یادآوری کنید که در دفاع مقدس، دستمان خالی‌تر بود اما دلمان آرام‌تر بود چون به خدا وصل بودیم. امروز اگر دلمان می‌لرزد، شاید اتصالمان ضعیف شده است.

۲. احیای «صلاة»؛ ستون فقراتِ تاب‌آوری

الف) تحلیل میدان (آسیب‌شناسی)

متأسفانه در ذهنیت بخشی از جامعه، نماز به یک «عادت خشک»، «تکلیفِ سرباری» و یا «حرکات فیزیکی بدون روح» تبدیل شده است. در زمانه فشار اقتصادی، برخی نماز را در اولویت چندم زندگی قرار می‌دهند.

ب) مبانی قرآنی (تفسیر کاربردی)

نماز در منطق قرآن، «حبل‌المتین» و تنها پناهگاه امن در برابر شدائد است. نماز، «شارژرِ اتصال به منبع قدرت لایزال» است. آیات کلیدی برای استناد مبلغ:

• استعانت از نماز در سختی‌ها:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره/۱۵۳)
(ای اهل ایمان، از صبر و نماز کمک بگیرید؛ که خدا با صابران است).
نکته: قرآن نمی‌گوید نماز بخوانید تا تکلیف ساقط شود؛ می‌گوید از نماز «کمک بگیرید» (استعانت). یعنی نماز یک «ابزار حل مشکل» و «اهرم قدرت» است.

• آرامش انحصاری با یاد خدا:

«الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد/۲۸)
(آگاه باشید که تنها با یاد خدا دلها آرام می‌گیرد).

• بازدارندگی از فروپاشی اخلاقی:

«...وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ...» (عنکبوت/۴۵)

ج) مأموریت مبلغ (ادبیات نوین)

مبلغ باید ادبیات دعوت به نماز را تغییر دهد:

- نگوید: «نماز بخوان تا خدا تو را به جهنم نبرد.»
- بگوید: «اگر می خواهی زیر بار گرانی، استرس، و فشارهای روانی خُرد نشوی و ستون فقرات روح سالم بماند، به سجده پناه ببر.»
- تبیین کنی که سجده طولانی، مکانیزم تخلیه بارهای منفی و دریافت انرژی مثبت از خالق هستی است. نماز، بار نیست؛ بال است.

۳. نهضت «تدبر در قرآن»؛ عبور از قرائت به «فهمِ صحنه»

الف) اصل راهبردی

قرآن کریم، کتاب تاریخ نیست که فقط قصه گذشتگان باشد؛ بلکه طبق روایات، «يَجْرِي كَمَا تَجْرِي الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ» (مانند خورشید و ماه در جریان است). قرآن، کتاب «مدیریت صحنه‌ی امروز» است.

ب) مبانی قرآنی و تطبیقی

مبلغ باید آیات را با رویکرد «جزی و تطبیق» تفسیر کند.

آیات کلیدی برای استنادِ مبلغ:

- غلبه کیفیت بر کمیت (فرمول غزه و یمن):
«...كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره/۲۴۹)
(چه بسیار گروه‌های کوچکی که به فرمان خدا، بر گروه‌های عظیمی پیروز شدند...)
تطبیق: این آیه فقط برای جنگ طالوت و جالوت نیست؛ تفسیر عینی ایستادگی باریکه غزه در برابر ارتش تا دندان مسلح اسرائیل و ائتلاف جهانی است.

- شکست حتمی باطل:

«...إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (اسراء/۸۱)

(قطعاً باطل نابود شدنی است.)

- تدبیر، تنها راه نجات از قفل‌های ذهنی:

«أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْفُزَانَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» (محمد/۲۴)

(آیا در قرآن تدبیر نمی‌کنند یا بر دل‌هایشان قفل‌هایی زده شده است؟)

ج) روش اجرا

در هر منبر، یک آیه کلیدی انتخاب شود و مستقیماً به مسائل روز (اقتصاد، خانواده، دشمن‌شناسی) گره بخورد. مردم باید حس کنند که قرآن برای «گرانی مرغ و گوشت»، «تربیت فرزند در عصر اینستاگرام» و «تحلیل جنگ منطقه» حرف حساب دارد.

۴. تبیین «وعده‌های الهی» و «نصرت‌های تضمین‌شده»

الف) اصل راهبردی (تفاوت هستی‌شناسی مؤمن)

باید برای مردم جا بیفتد که دایره «شَنِي الهی» برای جامعه مؤمنین با جوامع مادی متفاوت است. مؤمنین از «رانتِ ویژه‌ی الهی» برخوردارند که همان نصرت غیبی است، اما این نصرت «مشروط» است.

ب) مبانی قرآنی (آیات الوعد)

مبلغ باید بر منبر، «وعده‌های نقد خدا» را فریاد بزند تا «نسیه‌های دروغین غرب» رنگ‌بازد.

آیات کلیدی برای استناد مبلغ:

- فرمول شرطی نصرت (کلیدواژه اصلی):

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُخْرِجْ أَقْدَامَكُمْ» (محمد/۷)

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر (آیین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد.)

• تکلیف بودن یاری مؤمنین بر خدا:

(«...وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ» (روم/۴۷))

(و یاری کردن مؤمنان، حقی است بر عهده ما.)

• رزق بی محاسبه (پاسخ به نگرانی اقتصادی):

(«...وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ...» (طلاق/۳۲ و ۳۳))

(و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او قرار می‌دهد و او را از جایی که گمان نمی‌برد روزی می‌دهد.)

• کفایت خدا برای بنده (آرامش محض):

(«أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ ۖ وَيُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِنْ دُونِهِ...» (زمر/۳۶))

(آیا خداوند برای بنده اش کافی نیست؟ در حالی که تو را از غیر او می‌ترسانند...)

(ج) مصادیق عینی و تاریخی (جهاد تبیین)

مبلغ باید مصادیق این آیات را در تاریخ معاصر «روایت» کند تا حسن ظن به خدا تقویت شود:

۱. واقعه طبس (تجدید واقعه عام الفیل): زمانی که همه خواب بودند و رادارها خاموش، خداوند با «شن‌ها» (جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا) مدرن‌ترین ارتش دنیا را زمین‌گیر کرد. این یعنی «لَا تُنْصِرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ».

۲. جنگ تحمیلی: تمام دنیا پشت صدام بود، اما چون ملت ایران با «دست خالی» ولی با «دل پر از ایمان» ایستاد، نصرت الهی نازل شد.

۳. وعده نابودی اسرائیل: طبق فرمایش رهبری و با استناد به سنت‌های الهی، نصرت نهایی و نابودی ظلم حتمی است.

هدف نهایی این فصل:

رساندن مخاطب به نقطه «حُسْن ظَنِّ بِهِ اللَّهُ». مردم باید باور کنند که ما صاحبی داریم که «نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ» است و طبق وعده صادق رهبر حکیم انقلاب، آینده این ملت روشن تر از تمام ادوار تاریخ است.

فصل دوم

مهندسی اجتماعی و حماسی

(غیرت و مسئولیت)

تمرکز این بخش بر ساخت «زیربنای فکری و هیجانی» در مخاطب است تا مفاهیم «غیرت» و «مسئولیت پذیری» را از حالت شعاری خارج کرده و به یک باور عمیق تاریخی و دینی تبدیل کند.

موضوع: گذار از «تماشاچی بی تفاوت» به «مجاهد مسئول»
هدف: احیای غیرت دینی و ملی با شواهد تاریخی و منطق قرآنی

۱. تحریک «غیرت ملی» با بازخوانی «حافظه تاریخی» (هزینه سازش و بی طرفی)

مسئله: برخی تصور می کنند اگر سرمان در لاک خودمان باشد و کاری به کار قدرت ها نداشته باشیم، در امنیت هستیم.

پاسخ راهبردی: تاریخ ثابت کرده است که «بی طرفی ضعیف»، مساوی با «نابودی» است.

الف) روضه باز تاریخ ایران (هلوکاست ایرانی):

- سند تاریخی (جنگ جهانی اول و دوم): ایران در هر دو جنگ جهانی اعلام «بی طرفی» کرد. ما با کسی سر جنگ نداشتیم. اما نتیجه چه شد؟

- در جنگ جهانی اول (۱۹۱۷-۱۹۱۹)، ارتش بریتانیا و روسیه علیرغم بی‌طرفی ما، ایران را اشغال کردند. آن‌ها غلات و آذوقه مردم را برای سربازان خود مصادره کردند.
- نتیجه فاجعه‌بار: «قحطی بزرگ». طبق اسناد تاریخی معتبر (از جمله گزارش‌های مأموران آمریکایی وقت)، جمعیت ایران از حدود ۲۰ میلیون نفر به حدود ۱۱ میلیون نفر کاهش یافت. یعنی نزدیک به ۹ میلیون ایرانی (حدود نیمی از جمعیت کشور) بر اثر گرسنگی و بیماری‌های ناشی از اشغال، مظلومانه پریر شدند.
- استدلال برای مخاطب: «آقای محترم! خانم محترم! ۹ میلیون ایرانی کشته شدند، در حالی که ما “بی‌طرف” بودیم! چرا؟ چون “ضعیف” بودیم. چون حکومت وقت (قاجار و پهلوی) “غیرت و عرضه” دفاع از مرزها و نان مردم را نداشت. دنیا به “بی‌طرف‌ها” رحم نمی‌کند، دنیا فقط به “قوی‌ها” احترام می‌گذارد.»

(ب) اتصال به غیرت دینی (قاعده نفی سبیل):

- آیه: ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ (نساء/۱۴۱)
- تفسیر حماسی: خداوند اجازه نمی‌دهد کافر بر مؤمن مسلط شود. این آیه یعنی «استقلال»، ناموس دین است. غیرت دینی یعنی خونت به جوش بیاید وقتی می‌بینی اجنبی می‌خواهد برای کشورت تصمیم بگیرد. ما انقلاب کردیم تا آن هلوکاست ۹ میلیونی تکرار نشود. ما موشک ساختیم تا دیگر هیچکس جرأت نکند آذوقه ملت ما را غارت کند. این یعنی غیرت.

۲. مفهوم‌شناسی «جهاد» و «دشمن‌شناسی»

(چرا باید هزینه بدهیم؟)

مسئله: شبهه «چرا با دنیا (که منظورشان آمریکا است) نمی‌سازیم؟»
پاسخ راهبردی: سازش با گرگ، مرگ گوسفند است.

الف) ماهیت دشمن (گرگ‌های کراوات‌زده):

- تحلیل: دشمنان امروز ما (آمریکا و انگلیس)، همان‌هایی هستند که آن قحطی بزرگ را ایجاد کردند. ذاتشان عوض نشده، فقط ابزارشان از «قحطی نان» به «تحریم دارو و اقتصاد» تغییر کرده است.
- آیه: ﴿وَلَا تَزْكُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ﴾ (هود/۱۱۳)
- تبیین: به ظالمان تکیه نکنید که آتش می‌گیرید. اعتماد به غرب، تکیه بر باد است.

ب) عزت در برابر رذالت (پرونده‌های اخلاقی غرب):

- استدلال: غیرت ایرانی قبول نمی‌کند زیر پرچم کسانی برود که غرق در فسادند.
- مصداق: پرونده «جفری اپستین» را ببینید. سران سیاسی و اقتصادی غرب (روسای جمهور، شاهزاده‌ها) در کثیف‌ترین شبکه‌های استثمار جنسی کودکان دست دارند.
- تلنگر: «آیا شرف ایرانی اجازه می‌دهد که چنین موجودات پستی برای ما نسخه «حقوق بشر» و «آزادی زن» بپیچند؟ جهاد ما، ایستادگی در برابر سیطره این «جاهلیت مدرن» است.»

ج) منطق قرآن (بازدارندگی):

- آیه: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ... تُزْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ﴾ (انفال/۶۰)

- تحلیل: قرآن نمی‌گوید نیرو آماده کنید تا «بجنگید»، می‌گوید نیرو آماده کنید تا «بترسانید» (تُرهبون). اگر قوی باشی، دشمن می‌ترسد و جنگ نمی‌شود. اگر ضعیف باشی (مثل دوران قاجار و پهلوی)، هم اشغال می‌شوی، هم قحطی می‌آید، هم تحقیر می‌شوی. پس «مسئولیت‌پذیری» امروز ما در قوی شدن، ضامن امنیت فرداست.

۳. تبدیل «تماشاچی» به «مسئول»

(مهندسی مسئولیت اجتماعی)

مسأله: مبارزه با ویروس «(به من چه؟)» و «(عیسی به دین خود...)»
پاسخ راهبردی: سرنوشت همه ما به هم گره خورده است.

الف) استدلال عقلی (تمثیل کشتی):

- روایت: پیامبر اکرم (ص) جامعه را به کشتی تشبیه کردند. اگر کسی جای خودش را سوراخ کند و بگوید «چهاردیواری اختیاری»، حماقت کرده است. آب که بیاید، همه غرق می‌شوند.
- تطبیق: گرانی، فساد، ناامنی و نفوذ دشمن، مثل آبی است که وارد کشتی می‌شود. کسی که می‌گوید «(من کاری به سیاست و نظام ندارم)»، دارد اجازه می‌دهد کشتی سوراخ شود. دود این بی‌تفاوتی اول در چشم خانواده خودش می‌رود.

ب) قاعده «کُلُّكُمْ رَاعٍ» (همه مسئولیم):

- حدیث: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ».
- تبیین: در اسلام، «شهروند درجه دو» یا «تماشاچی» نداریم. همه رهبرند، همه مسئولند. اگر دیدی جایی خطایی هست، اگر دیدی دشمن دارد یأس پمپاژ می‌کند، اگر ساکت بمانی، شریک جرمی.

جمع‌بندی برای مخاطب:

«برادر و خواهر من! تاریخ نشان داد که وقتی ملت ایران بی‌تفاوت بود و حکومت ضعیف، ۹ میلیون نفرمان از گرسنگی مردند و آب از آب تکان نخورد. امروز اگر می‌خواهیم آن روزهای سیاه تکرار نشود، باید «مسئولیت‌پذیر» باشیم. باید وسط میدان باشیم. غیرت یعنی نگذاریم تاریخ ذلت تکرار شود.»

فصل سوم:

مهندسی صبر و ثبات

(عبور از گردنه)

یکی از چالش‌های اصلی مبلغان و دلسوزان انقلاب در شرایط دشوار اقتصادی و اجتماعی، دعوت مردم به «صبر» است. اگر این دعوت هوشمندانه نباشد، ممکن است مخاطب تصور کند گوینده از درد و رنج مردم بی‌خبر است یا «جایش گرم است». مهندسی صبر به معنای تبیین دقیق جایگاه صبر در نقشه‌ی پیشرفت، تفکیک انواع صبر و ارائه راهکارهای عملی برای حفظ ثبات ذهنی و اجتماعی است.

۱. تفکیک «صبر انقلابی» از «صبر انفعالی»؛ کلید فهم درست

اولین گام در مهندسی صبر، اصلاح ذهنیت مخاطب نسبت به واژه صبر است. در فرهنگ عمومی گاهی صبر به معنای تحمل ذلت و انفعال فهمیده می‌شود، در حالی که در منطق قرآنی، صبر موتور محرک حرکت است.

الف) صبر انفعالی (مذموم)

این نوع صبر به معنای دست روی دست گذاشتن، تسلیم شدن در برابر مشکلات، و پذیرش وضعیت موجود با ناامیدی است. این حالت در واقع «جزع» و «بی‌تابی» پنهان است که لباسی از سکوت پوشیده و نتیجه‌ای جز ذلت ندارد.

ب) صبر انقلابی و فعال (ممدوح)

صبر در این معنا یعنی «مقاومت و پایداری در مسیر رسیدن به هدف». این همان صبری است که قرآن کریم با تعبیر «فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا» (معارج: ۵) از آن یاد می‌کند. صبر جمیل،

صبری است که با شکایت به خلق خدا و از دست دادن امید همراه نباشد. این صبر مانند استقامت کوهنوردی است که در سربالایی تند و نفس گیر نهایی، با وجود خستگی مفرط، به جای نشستن، گام‌هایش را محکم‌تر برمی‌دارد.

مثال کاربردی (تمثیل اقتصادی):

تصور کنید فردی تمام سرمایه نقد خود را برای ساخت خانه‌ای هزینه کرده است. هرچه زمان می‌گذرد و پروژه پیشرفت می‌کند، نقدینگی در جیب او کمتر می‌شود و فشار مالی بیشتر حس می‌شود. اما آیا او فقیرتر شده است؟ خیر! پول نقد او تبدیل به «سرمایه ملکی» و «دیوار و سقف» شده است.

در مسیر انقلاب و پیشرفت کشور نیز چنین است. ممکن است امروز فشار معیشتی (کاهش نقدینگی و انرژی) را حس کنیم، اما باید ببینیم این هزینه صرف چه چیزی شده است؟ صرف استقلال، امنیت، قدرت بازدارندگی و زیرساخت‌هایی که آینده را می‌سازد. نباید فقط به «جیب خالی» نگاه کرد، بلکه باید به «دیوار ساخته شده» (پیشرفت‌ها و دستاوردها) نگریست.

۲. قانون کوهنورد؛ هرچه به قله نزدیک‌تر، فشار بیشتر

یکی از سنت‌های الهی و قوانین طبیعی این است که سخت‌ترین و نفس‌گیرترین لحظات، دقیقاً لحظات پیش از فتح قله است.

تحلیل وضعیت موجود با نگاه «نزدیکی به قله»:

وقتی کوهنورد در دامنه کوه است، انرژی زیادی دارد و شیب ملایم است. اما هرچه به قله نزدیک‌تر می‌شود:

۱. اکسیژن کمتر می‌شود (فشار محیطی).

۲. شیب تندتر می‌شود (سختی مسیر).

۳. انرژی بدن تحلیل می‌رود (احساس ضعف جسمی).

آیا این نشانه‌ی شکست است؟ خیر! این دقیقاً نشانه‌ی نزدیک شدن به هدف است. اگر کوهنورد در این لحظه فقط به «خستگی پاهایش» و «تنگی نفسش» تمرکز کند، ناامید می‌شود و برمی‌گردد. اما اگر سرش را بالا بگیرد و «قله» را ببیند که چقدر نزدیک است، انرژی دوباره می‌گیرد.

مستند قرآنی:

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! صبر کنید و یکدیگر را به صبر و مقاومت سفارش کنید و مرزداری کنید و از خدا پروا نمایید، باشد که رستگار شوید.» (آل عمران: ۲۰۰)

این آیه نشان می‌دهد که صبر فردی کافی نیست (اصْبِرُوا)، بلکه باید صبر اجتماعی و هم‌افزایی در صبر (صَابِرُوا) داشت تا به فلاح و پیروزی رسید.

۳. سنت آزمایش و غربالگری؛ هزینه اجتناب‌ناپذیر رشد

خداوند متعال در قرآن به صراحت اعلام کرده است که ادعای ایمان بدون پرداخت هزینه و پس دادن امتحان، پذیرفته نیست. این سنت قطعی الهی برای خالص‌سازی صفوف مؤمنان و رشد آن‌هاست.

آیه اول: توهم ایمان بدون امتحان

«أَحْسِبِ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ * وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ»

«آیا مردم گمان کردند همین که بگویند: «ایمان آوردیم»، به حال خود رها می‌شوند و آزمایش نخواهند شد؟! ما کسانی را که پیش از آنان بودند آزمودیم (و این‌ها را نیز می‌آزماییم)؛ باید علم خدا درباره کسانی که راست می‌گویند و کسانی که دروغ می‌گویند، تحقق یابد.» (عنکبوت: ۲-۳)

آیه دوم: ابزار آزمایش (ترس، گرسنگی، زیان مالی و جانی)
«وَلْتَبْلُوْكُمْ بَشِيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِيرِ
الصَّابِرِيْنَ»

«قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، و کاهش در مال‌ها و جان‌ها و میوه‌ها،
آزمایش می‌کنیم؛ و بشارت ده به استقامت‌کنندگان!» (بقره: ۱۵۵)

تحلیل:

خداوند می‌فرماید ما شما را با «نقص در اموال» و «گرانی» و «مشکلات» امتحان
می‌کنیم. چرا؟ تا «صابران» مشخص شوند. در دل این سختی‌هاست که انسان تربیت
می‌شود، عیار ایمانش بالا می‌رود و شایستگی دریافت نصرت الهی را پیدا می‌کند. مومن
واقعی کسی است که در این کوره‌ها ذوب نمی‌شود، بلکه فولاد آب‌دیده می‌شود.

۴. قاعده هزینه؛ هزینه سازش بیشتر از هزینه مقاومت است

یک اصل عقلی و دینی وجود دارد که اگر کسی در مسیر حق هزینه نکند و ایستادگی نرزد،
مجبور خواهد شد چندین برابر آن هزینه را در مسیر باطل و ذلت بپردازد.

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می‌فرماید:

«مَنْ تَرَكَ الْجِهَادَ أَلْبَسَهُ اللَّهُ الدَّلَّ وَفَقَّرَ الْمَعِيْشَةَ وَ مَحَقَّ الدِّينَ»

«هرکس جهاد (و تلاش در راه خدا) را ترک کند، خداوند لباس ذلت بر او می‌پوشاند و دچار

فقر و تنگی معیشت می‌شود و دینش نابود می‌گردد.» (نهج البلاغه، خطبه ۲۷)

این حدیث شریف به صراحت بیان می‌کند که فرار از سختی مبارزه و مقاومت، به

«آسایش» ختم نمی‌شود، بلکه به «فقر» و «ذلت» منتهی می‌گردد. تاریخ نشان داده

ملت‌هایی که از ترس هزینه مقاومت، تن به سازش دادند، هم منابعشان غارت شد، هم

عزتشان پایمال گردید و هم امنیتشان از دست رفت.

پس صبر و ایستادگی، کم‌هزینه‌ترین و پرسودترین راه است. اجر اخروی این صبر نیز بی

حساب است:

«إِنَّمَا يُوفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ»

«همانا صابران پاداش خود را بی حساب (و کامل) دریافت خواهند کرد.» (زمر: ۱۰)

۵. راهکار خروج از بن بست؛ تقوا و استعانت از صبر

مؤمن در هیچ شرایطی در بن بست گیر نمی کند. این وعده قطعی خداست. اگر راه زمینی بسته شود، راه آسمان باز است و اگر اسباب ظاهری قطع شود، مسبب الاسباب کارساز است.

راهکار اول: نماز و صبر

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»

«ای کسانی که ایمان آورده اید! از صبر (روزه و استقامت) و نماز کمک بگیرید! (زیرا) خداوند با صابران است.» (بقره: ۱۵۳)

صبر و نماز دو بال پرواز برای خروج از فشارها هستند. صبر نیروی درونی را تقویت می کند و نماز اتصال به منبع قدرت بی پایان الهی را برقرار می سازد.

راهکار دوم: تقوا، کلید گشایش

«وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»

«و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او قرار می دهد و او را از جایی که گمان ندارد روزی می دهد.» (طلاق: ۲-۳)

این آیه شاه کلید مهندسی صبر است. شرط خروج از بن بست، «تقوا» است؛ یعنی حتی در شرایط سخت اقتصادی، دست به حرام نزنیم، احتکار نکنیم، گران فروشی نکنیم و ناامید نشویم. خداوند تضمین کرده که برای چنین فردی «مخرج» (راه خروج) و «رزق بی گمان» قرار دهد.

۶. ثبات اجتماعی و دوری از التهاب؛ وظیفه همگانی

نقش مبلغ و نخبگان جامعه در این شرایط، ایجاد «ثبات ذهنی» است. دشمن می‌خواهد با ایجاد «ترس از آینده» و «هراس از فقر»، مردم را به رفتارهای هیجانی (مثل هجوم به بازار ارز و کالا) وادارد.

تذکر مهم: آرامش بازار و جامعه، اول از آرامش ذهن من و شما شروع می‌شود. اگر ذهن مردم آرام شود، رفتار اقتصادی‌شان نیز منطقی خواهد شد.

نسخه آرام‌بخش قرآنی:

برای مقابله با ترس از فقر و رزق، باید این آیه را دائماً یادآوری کرد:

﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾

«هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر اینکه روزی او بر خداست! او قرارگاه و محل نقل و انتقالش را می‌داند؛ همه این‌ها در کتاب آشکاری ثبت است.» (هود: ۶)

وقتی باور کنیم روزی‌رسان خداست و او ضمانت کرده، التهاب و حرص و ولع برای انبار کردن کالا یا تبدیل دارایی‌ها از بین می‌رود و ثبات به جامعه باز می‌گردد.

خلاصه راهبردی برای مبلغین:

۱. تبیین صحیح: صبر را به معنای «حرکت به سوی قله با وجود خستگی» معنا کنید، نه نشستن و تحمل کردن.

۲. دیدن دستاوردها: هزینه داده شده (سختی معیشت) را در برابر سرمایه به دست آمده (عزت، امنیت، استقلال) قرار دهید (مثال ساخت خانه).

۳. هشدار هوشمندانه: یادآوری کنید که هزینه تسلیم و فرار، بسیار بیشتر از هزینه ایستادگی است (سنت استدراج و ذلت).

۴. تزریق امید: با استناد به آیات وعده و نصرت (مثل «ان مع العسر يسرا») و «من يتق الله...»، بن‌بست‌نمایی دشمن را بشکنید.

فصل چهارم:

مهندسی حرکت مقتدرانه امت تحت امر ولایت

(عمود خیمه)

هدف: تبیین جایگاه فقهی و کارآمدی ولایت فقیه به عنوان تنها مدل موفق حکومت دینی در عصر غیبت و تشریح لزوم «تبعیت محض» برای عبور از گردنه‌های سخت تاریخی.

مقدمه: بازخوانی «سیستم امام و امت»؛ گم‌شده‌ی تاریخ

تاریخ اسلام پس از رحلت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، با یک حفره‌ی عظیم مواجه شد و آن «گسستن پیوند امام و امت» بود. این گسست، بشریت را قرن‌ها از سعادت دور کرد. تمام تلاش انبیا و اولیا، ایجاد یک «نظام ولایی» بود که در آن، مردم (امت) با اراده‌ی خود دور محور حق (امام) جمع شوند تا قدرت الهی متجلی شود. انقلاب اسلامی ایران، یک اتفاق ساده سیاسی نبود؛ بلکه «بازسازی سیستم امام و امت در مقیاس کوچک‌تر» و تمرینی عملی برای آمادگی ظهور حضرت حجت (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه) بود. ما پس از ۱۴۰۰ سال توانستیم مدلی را پیاده کنیم که مقدمه و ماکت حکومت جهانی مهدوی است.

۱. ریاضیات نصرت؛ چرا امام بی‌امت اقتدار ندارد؟

یکی از سنت‌های قطعی الهی این است که «نصرت» و «اقتدار» محصول ضرب «اراده امام» در «حضور امت» است. اگر امام معصوم هم باشد اما امت پای کار نباشند، اقتدار ظاهری محقق نمی‌شود امام ع است که محل نزول برکات ملائک و تجلی قدرت لایزال

الهی است، و امت هم هدف نزول نصرت برای رسیدن به سعادت است؛ لذا امت باید در کنار امام قرار بگیرد تا نصرت های الهی مانند بدر به آنان تعلق بگیرد.

الف) تنهایی ولی خدا (مدل حضرت لوط و علی علیه السلام)

حتی پیامبر خدا اگر «امت همراه» نداشته باشد، در برابر طواغیت دست بسته می ماند.

- حضرت لوط (ع): وقتی قوم گنهکار به مهمانانش هجوم آوردند، حضرت لوط به

دلیل نداشتن یاران وفادار فرمود:

«لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ»

«(افسوس!) ای کاش در برابر شما قدرتی داشتم؛ یا تکیه گاه و پناهگاه محکمی در اختیار من بود!)» (هود: ۸۰)

(امام صادق (ع) فرمودند: منظور از رکن شدید، یاران قدرتمند و همان حضرت مهدی (عج) است).

- امیرالمؤمنین (ع): امام علی (ع) که فاتح خیبر بود، ۲۵ سال خانه نشین شد.

چرا؟ چون «امت» نبود. حضرت در خطبه شقشقیه دلیل پذیرش حکومت پس

از ۲۵ سال را حضور مردم می دانند:

«لَوْلَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ... لَأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا»

«اگر حضور بیعت کنندگان نبود و حجت بر من به خاطر وجود یاور تمام نمی شد... مهار

شتر خلافت را بر کوهانش می انداختم.» (نهج البلاغه، خطبه ۳)

ب) اقتدار ولی خدا (مدل حضرت سلیمان و انقلاب اسلامی)

وقتی امت مطیع باشند، ولی خدا می تواند کوه ها را جابجا کند و در برابر ابرقدرت ها بایستد.

- حضرت سلیمان (ع): چون دارای تشکیلات و جنود بود، اجازه نمی داد در

سرزمینی دیگر (مثل یمن و حکومت بلقیس) غیر خدا پرستش شود. نامه

نوشت: «أَلَا تَعْلَمُوا عَلَيَّ وَأَتُونِي مُسْلِمِينَ» (نمل: ۳۱). این اقتدار ناشی از سیستم

ولایت بود.

۲. تجربه ۴۷ سال مقاومت؛ تفاوت «قحطی دلت» و «جنگ عزت»

چرا در جنگ جهانی اول و دوم، که ایران اعلام بیطرفی کرد، حدود ۹ میلیون ایرانی بر اثر قحطی و بیماری مردند و هیچ نصرت الهی نازل نشد؟ اما در ۴۷ سال اخیر، با وجود جنگ تحمیلی، تحریم‌های فلج‌کننده و جنگ‌های ترکیبی، ایران نه تنها نابود نشد بلکه به قدرت منطقه‌ای تبدیل شد؟

پاسخ قرآنی:

نصرت الهی آدرس دارد: «محل نزول نصرت و ملائکه، خیمه‌ی امام است.»
در جنگ جهانی، ما «امام» نداشتیم؛ جامعه‌ای که امام ندارد، یتیم است و یتیم بی‌پناه، طعمه‌ی گرگ‌ها می‌شود. اما در جنگ بدر، ملائکه نازل شدند:
﴿إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُم بِآلِفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُزْدَفِينَ﴾
«(به خاطر آورید) زمانی را که از خدای خود یاری طلبیدید، و او درخواست شما را پذیرفت (و گفت): من شما را با یک هزار از فرشتگان، که پشت سر هم فرود می‌آیند، یاری می‌کنم.»
(انفال: ۹)

این نصرت نازل شد چون «پیامبر» در وسط میدان بود و «امت» نیز شمشیر می‌زدند.

مصادق امروزی (جنگ ۱۲ روزه و وعده صادق):

امروز جمهوری اسلامی توانست در تقابل‌های مستقیم (مانند جنگ‌های اخیر موشکی و پهپادی)، هیمه‌ی دو قدرت اتمی و سامانه دفاعی چندلایه غرب را بشکند. این پیروزی تکنولوژیک نیست؛ پیروزی «سیستم ولایت» است. وقتی امت پشت سر رهبری ایستاد، خدا هم ترس را در دل دشمن می‌اندازد «سَأَلُّنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ».

۳. مدیریت بحران؛ نقش بی بدیل «عمود خیمه»

حوادث اخیر کشور (شهادت رئیس‌جمهور و همراهان) یک آزمایش بزرگ برای نمایش کارآمدی ولایت فقیه بود. در هر کشور دیگری، فقدان ناگهانی رئیس قوه مجریه می‌توانست به فروپاشی، جنگ قدرت یا هرج‌مرج منجر شود.

اما در ایران چه شد؟

رهبر انقلاب با یک جمله کوتاه: «مردم نگران نباشند، هیچ اختلالی در کار کشور به وجود نمی‌آید»، آب سردی بر آتش فتنه‌های احتمالی ریختند.

این همان نقش «حبل‌الله» است:

«وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳).

ولایت فقیه، ریسمانی است که دانه‌های تسبیح جامعه را در زمان پاره شدن نخ‌های فرعی، نگه می‌دارد. بدون این تدابیر، ایران اکنون یا تجزیه شده بود یا درگیر جنگ داخلی خونین نظیر سوریه و لیبی.

خلاصه راهبردی برای مبلغین:

۱. تبیین نعمت امنیت: توضیح دهید که امنیت و تمامیت ارضی ایران، معجزه مدیریت ولایت در طوفان منطقه است.
۲. استدلال قرآنی نصرت: برای مردم جا بیندازید که خدا چک سفیدامضا به کسی نداده؛ نصرت الهی (فرشتگان) فقط جایی نازل می‌شوند که «پیوند امام و امت» برقرار باشد.
۳. تکلیف خواص: به نیروهای انقلابی گوشزد کنید که «چرا و اما و اگر» در برابر ولی، صفت یاران سست‌عنصر است. ویژگی یار واقعی (مقدمه‌ساز ظهور)، اطاعت هارون‌مکی‌وار است.

۴. چشم‌انداز روشن: این سختی‌ها و جنگ‌ها، دردهای زایمانِ تولدِ تمدن نوین اسلامی است. ما در حال عبور از گردنه و رسیدن به قله هستیم و نباید در گام آخر سست شویم.

فصل پنجم:

مهندسی صحنه و آینده پژوهی نبرد

(چرا پیروزیم؟)

هدف: ارتقای سطح تحلیل مخاطب از «رویدادهای پراکنده» به درک «نبرد یکپارچه تمدنی»؛ تبیین جایگاه ایران در پیچ تاریخی و اثبات استیصال دشمن بر مبنای بیانات امام خامنه ای (۱۴۰۲-۱۴۰۳).

مقدمه: نبرد احزاب مدرن؛ صف آرای تمام کفر در برابر تمام اسلام

امروز ما شاهد یک جنگ معمولی نیستیم؛ بلکه با یک «جنگ ترکیبی و تمدنی» مواجهیم. صحنه نبرد، یک صفحه شطرنج واحد است که در آن آمریکا، اسرائیل و اذنباشان در یک سوی میز، و جبهه مقاومت به رهبری ایران در سوی دیگر قرار دارند.

رهبر معظم انقلاب بارها تأکید کرده اند که دشمن تلاش می کند با ایجاد «خطای محاسباتی»، جای شهید و جلا، و جای پیروز و شکست خورده را عوض کند. برای درک صحیح، باید از بالا به نقشه نگاه کنیم. در این نگاه کلان، چهار واقعیت بزرگ خودنمایی می کند که نشان دهنده دست برتر جبهه حق است.

۱. معجزه طوفان الاقصی؛ بازگشت اسرائیل به نقطه صفر (بحران بقا)

بسیاری طوفان الاقصی را تنها یک عملیات نظامی فلسطینی می‌دانند، اما رهبر انقلاب در تحلیل‌های سال ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ پرده از واقعیت بزرگ‌تری برداشتند: «این عملیات، نقشه‌ی شوم آمریکا برای منطقه را بر هم زد.»

- نقشه چه بود؟ دشمن قصد داشت با طرح «عادی‌سازی روابط» (پیمان ابراهیم) و ایجاد کریدورهای اقتصادی از هند تا اروپا (از مسیر اسرائیل)، عملاً مسئله فلسطین را برای همیشه به فراموشی بسپارد و ایران را در یک محاصره کامل ژئوپولیتیک و اقتصادی قرار دهد.
- چه اتفاقی افتاد؟ طوفان الاقصی دقیقاً در لحظه‌ای که دشمن گمان می‌کرد کار تمام است، میز را برگرداند.

به تعبیر دقیق حضرت آقا: «رژیم غاصب صهیونیستی که رؤیای تسلط بر منطقه و “اسرائیل بزرگ” (از نیل تا فرات) را در سر می‌پروراند، امروز به همان دغدغه‌های روزهای اول تأسیس خود برگشته است؛ یعنی دغدغه‌ی “بقا” و “موجودیت”.»

- تحلیل راهبردی: رژیمی که ادعای ارتش چهارم دنیا را داشت، اکنون نه برای گسترش خاک، بلکه برای اینکه فقط «باشد» و نابود نشود می‌جنگد. این یعنی بازگشت به ۷۰ سال قبل؛ و این یعنی شکست غیرقابل ترمیم:

«فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا...»

(خداوند از آنجا که گمان نمی‌کردند به سراغشان آمد...) (حشر: ۲)

۲. عملیات وعده صادق (جنگ ۱۲ روزه)؛ پایان دوران «بزن و درو»

غرب سال‌ها با تکیه بر «بازدارندگی» خود زندگی می‌کرد. یعنی القا کرده بود که «اگر کسی به ما چپ نگاه کند، نابود می‌شود». اما عملیات «وعده صادق» و نبردهای مستقیم پس از آن، این هیمنه را شکست.

- تغییر معادله: ایران برای اولین بار از خاک خود، مستقیماً به قلب پایگاه‌های دارای سپر دفاعی چندلایه حمله کرد.

- چرا آمریکا جنگ را گسترش نداد؟ سوال مهم اینجاست: چرا آمریکایی که ناوهایش را آورده بود، پس از حمله ایران فوراً پیام داد که «ما خواهان جنگ نیستیم» و به اسرائیل فشار آورد که پاسخ ندهد یا محدود پاسخ دهد؟ پاسخ روشن است: «توازن وحشت». آمریکا فهمید که ایران به نقطه‌ای از قدرت رسیده که اگر یکی بخورد، ده تا می‌زند.
 - کلام رهبری: ایشان فرمودند موضوع اصلی تعداد موشک‌ها نیست، بلکه «ظهور قدرت اراده ملت ایران» در عرصه بین‌المللی است. دشمن فهمید که دوران «دست بسته بودن» تمام شده است.
- «وَمَا رَمَيْتْ إِذْ رَمَيْتْ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى» (انفال: ۱۷).

۳. کالبدشکافی فتنه اخیر؛ کودتای ترکیبی، نه اعتراض اقتصادی

- دشمن وقتی در میدان نظامی حریف نشد، به میدان جنگ شناختی و داخلی روی آورد.
- تحلیل فتنه پاییز و حوادث مشابه، نباید تقلیل‌گرایانه باشد.
- هدف واقعی چه بود؟ هدف، اصلاح قیمت‌ها یا آزادی‌های مدنی نبود. هدف، «سوریه‌سازی ایران» بود. آمریکا و اسرائیل می‌دانستند تا وقتی «حکومت مرکزی مقتدر» در تهران باشد، نمی‌توانند منطقه را ببلعند.
 - استراتژی دشمن: آن‌ها با استفاده از هیجانات و سوار شدن بر برخی نارضایتی‌ها، قصد داشتند:
 ۱. نیروی انتظامی و امنیتی را فرسوده کنند.
 ۲. زمینه را برای ورود گروه‌های تروریستی و تجزیه‌طلب (از کردستان و سیستان) فراهم کنند.
 ۳. جنگ داخلی راه بیندازند تا ایران از درون متلاشی شود.

- چرا شکست خوردند؟ بصیرت مردم و هدایت رهبری، این «کودتای تمام عیار» را خنثی کرد. رهبر انقلاب فرمودند: «دشمن نقاط قوت ما را هدف گرفته بود.» آن‌ها امنیت را هدف گرفتند چون می‌دانستند این پاشنه آشیل نیست، بلکه نقطه قوت نظام است.
 «يُرِيدُونَ لِيُظْفِقُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ» (صف: ۸).

۴. پارادوکس آمریکا؛ حمله از سرِ استیصال (توهم ضعف ایران)

این بخش بسیار حیاتی است. ممکن است مخاطب بپرسد: «اگر آمریکا ضعیف شده، پس چرا اینقدر فشار می‌آورد و تهدید می‌کند؟»

- تحلیل «هزینه-فایده»: آمریکا در حال خروج از منطقه است، نه به میل خود، بلکه به اجبار. هزینه‌ی ماندن در غرب آسیا (تلفات سربازان، هزینه‌های تریلیون دلاری) بسیار بیشتر از فایده آن شده است. امپراتوری آمریکا در حال افول است و چاره‌ای جز جمع کردن پایگاه‌هایش ندارد.
- چرا فشار حداکثری؟ (دام محاسباتی): اتاق‌های فکر واشنگتن دچار یک خطای مرگبار شده‌اند. آن‌ها با دیدن برخی مشکلات اقتصادی و نویزهای رسانه‌ای، دچار توهم شده‌اند که «ایران در ضعیف‌ترین حالت خود قرار دارد».
- آن‌ها با خود می‌گویند: «اگر الآن کار جمهوری اسلامی را تمام نکنیم، دیگر هرگز نمی‌توانیم.»
- لذا این فشارهای سنگین، تحریم‌ها و تهدیدها، «دست و پا زدن‌های آخر» است. مثل دزدی که می‌داند پلیس رسیده و فقط چند دقیقه وقت دارد، پس دیوانه‌وار شلیک می‌کند.
- تکلیف ما: رهبر انقلاب بارها به این «اشتباه محاسباتی دشمن» اشاره کرده‌اند. اگر ما در این لحظه حساس (که دشمن فکر می‌کند ما ضعیفیم) «استقامت» و

«اقتدار» نشان دهیم، محاسباتش به هم می‌ریزد و ناامیدانه صحنه را ترک می‌کند. اما اگر سستی نشان دهیم، او جری‌تر می‌شود.

خلاصه راهبردی برای مخاطب (جمع‌بندی منبری):

۱. نگاره کلی: ما وسط یک دعوای ساده نیستیم؛ وسط «پیچ تاریخی» هستیم که جایگاه قرن‌های آینده ایران را تعیین می‌کند.
۲. ضعف دشمن: اسرائیل به ۷۰ سال پیش (تلاش برای بقا) برگشته و آمریکا در حال بستن چمدان‌هاست. سرو صداهایشان از «ترس» است نه از «قدرت».
۳. وظیفه ما: دشمن فکر می‌کند ما خسته‌ایم و می‌خواهد ضربه آخر را بزند. پاسخ ما باید مثل رزمندگان خیبر و بدر باشد، نه مثل توابین. باید نشان دهیم که «ما ملت شهادتیم، ما ملت امام حسینیم» و محاسبات دشمن مبنی بر ضعف ایران را با «حضور در صحنه» و «اطاعت از ولایت» باطل کنیم.
۴. بشارت: طبق وعده الهی و قرائن میدانی، ما به قله نزدیکی‌یم. خستگی ممنوع! زیرا: «إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ» (اگر شما درد و رنج می‌کشید، آن‌ها نیز همانند شما درد و رنج می‌کشند؛ با این تفاوت که شما امیدی به خدا دارید که آن‌ها ندارند.) (نساء: ۱۰۴)

بخش دوم

منشور عملیاتی تبلیغ

(آنچه مبلغ باید بگوید به عنوان
نمونه بر اساس فصول گذشته)

محتوای سخنرانی و گفتگوهای چهره به چهره بر اساس مخاطب و با رویکرد «جهاد تبیین».

فصل اول:

سیاست‌های کلی تبلیغ و جهاد تبیین

(منشور عملیاتی مبلّغ)

هدف: تدوین اصول حاکم بر «ارتباط مؤثر» و «مهندسی پیام» برای غلبه بر امپراتوری رسانه‌ای دشمن و کاهش گارد دفاعی مخاطب.

۱. اصل «خودسازی»: شرط نفوذ کلام (اتصال به منبع قدرت)

در نبرد نامتقارن امروز که دشمن ذائقه مردم را تغییر داده است، تکنیک‌های سخنوری کافی نیست. اثرگذاری بر قلوب، یک فرایند مکانیکی نیست، بلکه یک «جریان توحیدی» است (يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ). هدایت به دست خداست و مبلّغ تنها مجراست؛ اگر مجرا پاک نباشد، نور عبور نمی‌کند.

- سیاست: ارتقای معنویت و عبودیت مبلّغ پیش از ورود به میدان تبلیغ. سنگینی بار هدایت، شانه‌ای می‌خواهد که زیر بار عبادت شبانه قوی شده باشد.

- مستند قرآنی:

۱. خطاب به پیامبر(ص) برای تحمل بار سنگین رسالت:

«قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا... إِنَّا سُنْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا»

(شب را بپا خیز... چرا که ما به زودی سخنی سنگین [و رسالتی بزرگ] را بر تو القا خواهیم

کرد). (مزمّل: ۲ و ۵)

۲. خطاب به موسی(ع) در آغاز مأموریت فرعون ستیز:

«...وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»

(نماز را برای یاد من بپا دار [تا در سختی‌ها مرا فراموش نکنی].) (طه: ۱۴)

۲. اصل «عاطفه قبل از برهان»؛ خلع سلاح گارد مخاطب

مخاطب امروز بمباران شبهه شده و گارد دفاعی دارد. اگر احساس کند مبلّغ از «موضع بالا» (من می‌فهمم و تو نمی‌فهمی) صحبت می‌کند، مقاومت می‌کند. کلید قفل ذهن‌ها، «محبت» است نه فقط «استدلال».

- سیاست: پرهیز مطلق از نگاه استعلایی (از بالا به پایین). شروع ارتباط با تکیه بر عواطف، دلسوزی و خیرخواهی. (مانند اثرگذاری بر اعضای خانواده که چون محبت جاری است، پذیرش بالاست).

- مستند قرآنی:

۱. راز جذب مردم توسط پیامبر(ص):

«وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ»

(اگر تندخو و سخت دل بودی، قطعاً از اطرافت پراکنده می‌شدند.) (آل عمران: ۱۵۹)

۲. دستور به تواضع در برابر مومنین:

«وَاحْفَظْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»

(بال و پر [مهر و عاطفه] خود را برای پیروانت بگستران.) (شعراء: ۲۱۵)

۳. اصل «تزریق امید و اقتدار»؛ ممنوعیت القای بن‌بست

بیان مشکلات نباید به قیمت «ترساندن مردم» تمام شود. جامعه نباید حس کند کشتی در حال غرق شدن است، بلکه باید بداند کشتی در حال جنگ است و ناخدا مسلط است.

- سیاست: تصویرسازی از «ایران مقتدر» و برجسته‌سازی نقاط قوت. پیام نهایی باید «ما می‌توانیم و مسلطیم» باشد، نه اضطراب و یأس.

- مستند قرآنی:

بشارت فرشتگان به استقامت‌کنندگان:

«أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ...»

(نترسید و غمگین نباشید و بشارت باد بر شما...) (فصلت: ۳۰)

۴. اصل «تهاجم روایی»: فرار از موضع انفعال

نباید در زمین دشمن بازی کرد و صرفاً به شبهات ریز (مثل قیمت پیاو و دلار) پاسخ دفاعی داد. این کار مبلغ را در موضع ضعف (متهم) قرار می‌دهد.

- سیاست: تغییر زمین بازی از «پاسخگویی جزئی» به «ترسیم تصویر کلان». حمله به ناکارآمدی و افول تمدن غرب و بیان دستاوردهای عظیم انقلاب.

- مستند قرآنی:

دستور به عدم سستی در برابر دشمن:

«وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»

(سست نشوید و غمگین نگردید؛ شما برترید اگر ایمان داشته باشید.) (آل عمران: ۱۳۹)

۵. اصل «هزینه‌ی عزت»: تفسیر صحیح گرانی‌ها

مردم باید بدانند سختی معیشت، نتیجه‌ی «بی‌عرضگی» نیست (هرچند نقد به مدیریت وارد است)، بلکه عمدتاً «انتقام دشمن» از شکست‌های نظامی و سیاسی است.

- سیاست: گره زدن مشکلات به دشمن. تبیین اینکه: «چون در میدان نظامی و امنیتی (طوفان الاقصی و وعده صادق) بر آن‌ها غلبه کردیم، آن‌ها جنگ را به سفره‌ها کشانده‌اند.» گرانی، «هزینه‌ی جنگ» است، نه فلاکت.

- مستند قرآنی:

تحمل سختی‌ها در راه خدا (هزینه مقاومت):

«مَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ... إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ»

(هیچ تشنگی، خستگی و گرسنگی در راه خدا به آن‌ها نمی‌رسد... مگر آنکه برایشان عمل صالح نوشته می‌شود.) (توبه: ۱۲۰)

۶. اصل «وحدت کلمه»؛ پرهیز از دوقطبی‌سازی

خطرناک‌ترین سم برای جامعه در حال جنگ، «تفرقه» است. هر سخنی که بخشی از مردم را در برابر بخش دیگر قرار دهد (باحجاب vs بدحجاب، انقلابی vs غیرانقلابی)، بازی در زمین دشمن است.

- سیاست: جذب حداکثری. تأکید بر نقاط اشتراک (ایران، امنیت، پرچم). مبلّغ باید «پدرانه» برخورد کند تا همه زیر چتر ولایت جمع شوند.

- مستند قرآنی:

هشدار درباره نزاع داخلی:

«وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ...»

(با هم نزاع نکنید که سست می‌شوید و هیبت و قدرتتان از بین می‌رود.) (انفال: ۴۶)

فصل دوم:

مهندسی پیام و تفکیک محتوا بر اساس مخاطب

هدف: عبور از «کلی‌گویی» و ارائه خوراک فکری متناسب با دستگاه محاسباتی هر قشر، جهت خنثی‌سازی جنگ شناختی دشمن و بسیج عمومی.

الف) مخاطب عمومی (قشر خاکستری، بازار، اصناف، بدنه اجتماعی)

رویکرد: «عقلانیتِ معیشت‌محور» و «غیرتِ ملی»
منطق حاکم: هزینه مقاومت > هزینه سازش (امنیت و اقتصاد در گرو اقتدار است).
۱. بازخوانی پرونده «هزینه‌ی سازش» (عبرت‌های مدرن)
مخاطب باید بداند که «کوتاه آمدن» مساوی با «ارزانی» نیست، بلکه مساوی با «نابودی» است.

- استدلال: کشورهایی که اعتماد کردند، چه شدند؟
- لیبی (قذافی): تمام تجهیزات هسته‌ای‌اش را بار کشتی کرد و به آمریکا داد. نتیجه؟ کشورش ویران شد، اقتصادش فروپاشید و امنیتش چنان از بین رفت که اکنون بازار برده‌فروشی دارد.
- اوکراین: سومین قدرت هسته‌ای جهان بود؛ سلاحش را به تضمین آمریکا داد. نتیجه؟ امروز گوشت دم توپ ناتو شده و ۲۰ درصد خاکش را از دست داد.
- پیام: «موشک و پهپاد، ضامن این است که ایران، اوکراین و لیبی نشود. اگر موشک نباشد، دلار ارزان نمی‌شود، بلکه ایرانی باقی نمی‌ماند تا دلاری خرج شود.»

• مستند قرآنی:

«وَلَا تَزْكُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ...»

(به ستمگران تکیه نکنید که آتش شما را فرا می‌گیرد [و نابود می‌شوید].) (هود: ۱۱۳)

۲. فعال‌سازی «DNA ضد استعمار» (تاریخ پرچمداران عزت)

ایرانی ذاتا «غیرتمند» است و زیر بار زور نمی‌رود. باید این حافظه تاریخی را بیدار کرد.

• استدلال: تاریخ ما گواه است که هرگاه حاکمان سر خم کردند (قاجار و پهلوی)، ایران کوچک شد (عهدنامه گلستان و ترکمانچای، جدا شدن بحرین). اما هرگاه «مجتهد و سردار» کنار هم ایستادند، خاک ندادیم.

• میرزا کوچک خان جنگلی: طلبه‌ای که در برابر روس و انگلیس ایستاد تا گیلان حیات خلوت اجنبی نشود.

• ستارخان (سردار ملی): جمله‌ی تاریخی او باید تکرار شود: “من می‌خواهم هفت دولت زیر پرچم ایران باشد، نه اینکه من زیر بیرق روس و انگلیس بروم.”

• تحریک غیرت: «آیا ملتی که ستارخان و رئیس‌علی دلواری دارد، امروز اجازه می‌دهد یک “کابوی آمریکایی” یا یک “صهیونیست کودک‌کش” برای سفره و امنیتش تعیین تکلیف کند؟»

۳. امید واقع‌بینانه (گردنه و قله)

• استدلال: سختی‌های امروز، «هزینه‌ی سربالایی» برای رسیدن به قله است. اگر بایستیم یا برگردیم، به ته دره سقوط می‌کنیم. ایران امروز از «واردکننده سیم خاردار» به «سازنده موشک هایپرسونیک (فتاح)» تبدیل شده؛ این مسیر رو به صعود است.

• مستند قرآنی:

«فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا * إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»

(یقیناً با (هر) سختی آسانی است؛ [آسانی در دل سختی نهفته است].)

ب) مخاطب خاص و هسته سخت (بسیجیان، هیئتی‌ها، خانواده شهدا)

رویکرد: «تکلیف‌مداری الهی»، «بصیرت سیاسی» و «آمادگی برای ظهور»
منطق حاکم: نصرت الهی قطعی است، اما شرط آن غربالگری و اطاعت محض است.

۱. فلسفه سختی‌ها: «غربالگری آخرالزمانی»

- تبیین: امروز زمانِ خالص‌سازی است. سختی‌ها و فتنه‌ها (مثل فتنه ۱۴۰۱) کوره ذوب است تا «عیار» افراد مشخص شود. پیش از ظهور، صف نفاق باید از صف ایمان کاملاً جدا شود.

• مستند قرآنی:

«مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ»
(خدا بر آن نیست که مومنان را به این حال که هستید واگذارد، تا آنکه پلید را از پاک جدا کند.) (آل عمران: ۱۷۹)

۲. ولایت فقیه؛ شاخص حق در غبار فتنه

- آسیب‌شناسی خواص: گلایه از کسانی که در فتنه‌ها سکوت کردند یا دوپهلو حرف زدند. یادآوری درس‌های تاریخ (سلیمان بن صرد خزاعی که دیر رسید).
- تکلیف: تنها راه نجات، «نگاه به دهان رهبری» است، نه جلوتر و نه عقب‌تر.
- حدیث: امام علی (ع) در فتنه جمل فرمودند: «كُنْ فِي الْفِتْنَةِ كَأَبْنِ اللَّبُونِ...» (در فتنه مثل بچه شتر باش که نه پشلی دارد سوارش شوند و نه شیری که بدوشند؛ یعنی به نفع دشمن کار نکن)، اما برای یاران خود فرمودند: «انْظُرْ إِلَى الْقَوْمِ...» (به فرمانده نگاه کنید).

۳. معادله‌ی «امنیت و ظهور» (برهانِ رفع مانع)

- تحلیل راهبردی-مهدوی: تا زمانی که «گرگ‌های صهیونیست» و «مستکبرین» امنیت جهان را تهدید می‌کنند، جانِ امام در خطر است (یکی از دلایل غیبت، «خوف» است).
- نبود کردن اسرائیل، فقط انتقام نیست؛ بلکه «امن سازی زمین برای بازگشت حجت خدا» است. وقتی دشمنی نباشد که تهدید کند، دلیلی برای پنهان بودن خورشید نیست.
- بشارت: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص: ۵).

ج) نوجوان و جوان (نسل Z و آلفا)

- رویکرد: «هویت سازی»، «قهرمان محوری» و «افشای واقعیت غرب»
منطق حاکم: تو سازنده آینده‌ای؛ فریب ویتترین غرب را نخور.
- ۱. افشای چهره‌ی بدون روتوش غرب (فراتر از شعار)
نوجوان امروز با شعار مرگ بر آمریکا قانع نمی‌شود؛ باید «فساد سیستماتیک» غرب را ببیند.
- پرونده جفری اپستین (Jeffrey Epstein): اشاره مستند به جزیره اپستین، جایی که سران سیاسی و سلبریتی‌های مشهور غربی (از کلینتون تا شاهزاده انگلیس) درگیر شنیع‌ترین سوءاستفاده‌های جنسی از کودکان بودند.
- پیام: «این همان تمدنی است که برای ما شعار “زن، زندگی، آزادی” می‌دهد؟ سران این تمدن، غرق در کثیف‌ترین لجن زار اخلاقی هستند. آزادی آن‌ها، آزادی دست‌درازی به کرامت انسان است.»
- مستند قرآنی (توصیف فساد مترفین):

«وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا...» (اسراء: ۱۶).

۲. «حاج قاسم» الگوی نسل امروز؛ قهرمان استراتژیک

- تغییر تصویر: حاج قاسم را فقط به عنوان یک مرد نورانی در حال نماز معرفی نکنید. او را به عنوان «نابغه نظامی» معرفی کنید که:
- نقشه پنتاگون برای خاورمیانه جدید را پاره کرد.
- با دست خالی، ارتش تا دندان مسلح داعش (نیابتی ناتو) را شکست داد.
- او «سوپرمن واقعی» است، نه قهرمانان پوشالی مارول و هالیوود.

۳. مهندسی آینده: «دنیا منتظر توست»

- تزریق اعتماد به نفس: دشمن می‌خواهد تو ناامید باشی و مهاجرت کنی، چون می‌داند اگر بمانی، ایران را به ابرقدرت علمی و اقتصادی تبدیل می‌کنی.
- چشم‌انداز: نظم نوین جهانی در حال شکل‌گیری است و ایران یکی از قطب‌های اصلی آن است (عضویت در بریکس و شانگهای). شما مدیران این ایرانِ قدرتمند هستید.
- خطاب قرآنی به جوانان:

یادآوری «اصحاب‌کهف» به عنوان «فتیه» (جوانمردان) که علیه سیستم فاسد قیام کردند: «إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَرَدَّنَاهُمْ هُدًى» (کهف: ۱۳).

آنچه گذشت:

«راهبرد تغییر محاسبات: از بن بست‌نمایی به قله‌نوردی»

مهندسی تبلیغ تهاجی؛ در ۶ اصل آفندی (تهاجمی) و ۳ تاکتیک نقطه‌زن (مخاطب‌محور) خلاصه شده است تا مبلّغ از حالت «پدافندی و پاسخگویی صرف» خارج شده و «روایت‌ساز» شود.

بخش اول: ۶ اصل آفندی در مهندسی پیام (چه بگوییم؟)

۱. تغییر فاز معنوی: تبدیل «اضطراب نان» به «سکینه ایمان»
 - تاکتیک: منبر را با «آرامش» شروع کن، نه با گلایه.
 - پیام کلیدی: خدا نمرده است! همان خدایی که در طپس‌شن‌ها را مأمور کرد، امروز هم رزق را ضمانت کرده (وَمَا مِنْ دَابَّةٍ...).
 - اقدام: نماز را نه به عنوان «تکلیف خشک»، بلکه به عنوان «پناهگاه و شارژر روانی» در برابر فشارهای عصبی و اقتصادی معرفی کنید. (استناد: آیة اَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ).

۲. بیدارسازی غیرت: فرمول «هزینه سازش < هزینه مقاومت»
 - تاکتیک: استفاده از حافظه تاریخی برای شکستن توهم «بهشت سازش».
 - پیام کلیدی: «بی‌طرفی» ما را نجات نمی‌دهد؛ در جنگ جهانی بی‌طرف بودیم ولی ۹ میلیون نفر از قحطی مردند چون «ضعیف» بودیم. امروز اگر موشک داریم، برای این است که دوباره قحطی نیاید.
 - مثال: مقایسه اوکراین و لیبی (که خلع سلاح و نابود شدند) با ایران (که با مقاومت، امنیتش را خرید).

۳. مهندسی صبر: مدل «کوهنورد در نزدیکی قله»
 - تاکتیک: بازتعریف صبر از «تحمل بدبختی» به «استقامت قهرمانانه».

- پیام کلیدی: فشارِ امروز، فشارِ «سربالایی آخر» است، نه فشارِ بن بست. کوهنورد هرچه به قله نزدیک‌تر شود، اکسیژن کمتر و فشار بیشتر می‌شود؛ اگر برگردد سقوط می‌کند، اگر بماند، فتح می‌کند.
- اقدام: دستاوردها (امنیت، استقلال، پیشرفت علمی) را به عنوان «سرمایه ملکی» در برابر «کمبود نقدینگی» (مشکلات معیشتی) مثال بزنید.

۴. تثبیت ولایت: معادله ((امام + امت = نصرت))

- تاکتیک: تبیین اینکه «چکِ نصرت الهی» فقط در وجهِ امتی صادر می‌شود که پشت سر امامش باشد.
- پیام کلیدی: خدا به «تکروری» نصرت نمی‌دهد. اگر مالکِ اشتر برگردد (مثل صفین)، پیروزی می‌پرد. اگر امت مثل «هارون مکی» مطیع محض باشد و تحلیل‌های روشنفکری را کنار بگذارد، آتشِ فتنه‌ها گلستان می‌شود.
- اقدام: مدیریت بحرانِ کشور پس از شهادت رئیسی را به عنوان معجزه «ثباتِ ناشی از ولایت» یادآوری کنید.

۵. تصویرسازی صحنه: استیصال دشمن و اقتدار جبهه حق

- تاکتیک: نگاه از بالا به نقشه (Grand Strategy).
- پیام کلیدی: فریبِ سر و صدا و پارس کردن دشمن را نخورید؛ این سر و صدا از «ترس» است. اسرائیل به ۷۰ سال پیش (جنگِ بقا) برگشته و آمریکا در حال بستن چمدان از منطقه است.
- اقدام: عملیات «وعده صادق» را نه به عنوان یک حمله موشکی، بلکه به عنوان «پایان دوران بزن و درو» و تغییر نظم جهانی روایت کنید.

۶. تزریق امید صادق: ایمان به وعده‌های الهی

- تاکتیک: امیدواری با استناد به «سُنّت‌های الهی» نه تحلیل‌های سیاسی.
- پیام کلیدی: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ». ما خدا را یاری کردیم (حکومت اسلامی تشکیل دادیم)، پس محال است خدا ما را رها کند.

- اقدام: دائماً آیه «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» را تکرار کنید و بگویید گشایش بزرگ در راه است.

بخش دوم: ۳ تاکتیک نقطه زن (با چه کسی چگونه حرف بزنیم؟)

۱. برای عموم مردم (کاسب، راننده، خانه دار):
 - ادبیات: منافع ملی، امنیت، سفره.
 - نکته: «اگر موشک نداشتیم، الان باید چکمه سرباز آمریکایی یا داعشی را واکس می زدیم. امنیت، زیربنای نان است.»
۲. برای قشر مذهبی و حزب اللهی (بسیج، هیئت):
 - ادبیات: تکلیف، غربالگری، مهدویت.
 - نکته: «فتنه ها برای خالص سازی است. نکند مثل خراسانی باشیم که فقط ادعا داشت؛ باید مثل هارون مکی آماده ی تنور باشیم. نابودی اسرائیل شرط ظهور است.»
۳. برای نوجوان و جوان (نسل Z):
 - ادبیات: هویت، قهرمان، ضدیت با سیستم فاسد غرب.
 - نکته: «حاج قاسم یک نابغه نظامی بود که نقشه آمریکا را پاره کرد (سوپرمن واقعی). غرب ویتربینش قشنگ است اما پشت صحنه، امثال “اپستین” و فساد سیستماتیک است. تو مدیر آینده ی ایرانی هستی که عضو بریکس و قدرت جهانی است.»

❶ خطوط قرمز مبلّغ (نبایدهای عملیاتی)

۱. انکار گرانی ممنوع؛ نگوید گرانی نیست؛ بگوید گرانی «هزینه جنگ» است و «تاوان استقلال»، نه نتیجه‌ی بن‌بست.
۲. تحقیر مخاطب ممنوع؛ با نگاه «عاقل‌اندرسفیه» صحبت نکنید؛ اول «عاطفه و محبت»، بعد «استدلال».
۳. ترساندن ممنوع؛ هیچگاه حس «ناامیدی مطلق» ندهید. پایان هر روضه‌ای باید به «امید و فرج» ختم شود.
۴. تفرقه ممنوع؛ خط‌کشی بین باحجاب/بدحجاب یا چپ/راست نکنید. همه زیر خیمه انقلابیم.

جمله طلایی برای پایان‌بندی منابر:

«ما ملتی هستیم که خدا را داریم، امامی حکیم داریم و کارنامه‌ای درخشان از ۴۰ سال مقاومت. زمستان مشکلات رفتنی است، اما روسیاهی برای کسانی می‌ماند که به وعده خدا شک کردند و به کدخدا دل بستند.»

جمع‌بندی عملیاتی نهائی:

۱. قرآن را به صحنه بیاورید (ارتقای سطح خدا‌باوری):

- مأموریت: قرآن نباید کتاب تاریخ باشد؛ باید کتابِ «تحلیلِ روز» باشد. در هر سخنرانی، حتماً یک آیه کاربردی را انتخاب و طوری تفسیر کنید که مخاطب حس کند «خدا همین الان دارد با او حرف می‌زند».
- نکته کلیدی: تمرکز ویژه بر «وعددهای الهی» داشته باشید. طبق فرمایش رهبر انقلاب (۱۴۰۲/۳/۱۴): «ایمان به ربّ، یعنی ایمان به وعده‌های الهی». وقتی خدا وعده نصرت داده، تخلف نمی‌کند.
- مصداق: آیه «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا» را برای گشایش اقتصادی و آیه «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ» را برای تحلیل سیاسی بخوانید.

۲. نماز را عاشقانه و طبیعانه تبلیغ کنید (نسخه آرام‌بخش):

- مأموریت: ادبیاتِ «تکلیف و جهنم» را تغییر دهید. نماز را به عنوان «نسخه ضد اضطراب» و «پناهگاه روانی» در برابر فشارهای اقتصادی و عصبی معرفی کنید.
- نکته کلیدی: بگویید نماز بار نیست، «بال» است. در زمانه گرانی و استرس، سجده طولانی یعنی «تخلیه بارهای منفی و اتصال به منبع قدرت بی‌پایان».
- مصداق: استناد به آیه «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»؛ تنها راه آرامش واقعی، یاد خداست نه دلار و سکه.

۳. غیرت دینی و ملی را بیدار کنید (هزینه عزت):

- مأموریت: دست بگذارید روی رگ غیرت مخاطب. بر «عزت ملی» و نپذیرفتن تحقیر توسط دشمن تکیه کنید. ایرانی ممکن است گرسنگی بکشد، اما زیر بار حرف زور و تحقیر اجنبی نمی‌رود.
- نکته کلیدی: یادآوری کنید که «سازش، هزینه دارد». اگر امروز موشک داریم و تحریم شدیم، داریم «هزینه مستقل بودنمان» را می‌دهیم تا مثل دوران قاجار و پهلوی (و مثل امروز اوکراین و لیبی) ذلیل و تجزیه نشویم.
- مصداق: مقایسه عزت امروز (که آمریکا جرأت حمله ندارد) با ذلت گذشته (که با وجود بی‌طرفی، کشور اشغال شد و قحطی آمد).

۴. معنای صبر را اصلاح کنید (مقاومت فعال):

- مأموریت: تصور غلط از صبر (به معنای بدبختی کشیدن و ساکت ماندن) را بشکنید. بگویید صبر یعنی «کم نیاوردن در سربالایی آخر» و «ادامه دادن مسیر قله».
- نکته کلیدی: ما داریم هزینه «ساختن ایران قوی» را می‌دهیم. همانطور که در ۸ سال دفاع مقدس صبر کردیم و جوان دادیم اما خاک ندادیم و نتیجه‌اش امنیت امروز شد، صبر امروز در جنگ اقتصادی هم نتیجه‌اش «ابرقدرت شدن ایران» خواهد بود.
- مصداق: تشبیه شرایط به «کوهنوردی» که در قدم‌های آخر فشار زیادی تحمل می‌کند اما اگر برگردد، سقوط می‌کند.

۵. امید صادق بدهید (روایت فتوحات):

- مأموریت: امیدِ واهی ندهید؛ «امیدِ مستند» بدهید. با استناد به پیروزی‌های بزرگ منطقه (طوفان‌الاقصى، وعده صادق) و ضعف آشکار دشمن (گیج شدن اسرائیل و فرار آمریکا)، نشان دهید که ورق برگشته است.
- نکته کلیدی: سختی‌های فعلی، مقدمه گشایش بزرگ است (فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا). لیست کردن نصرت‌های الهی از اول انقلاب (طبس، خرمشهر، جنگ ۳۳ روزه، زدن پایگاه عین‌الاسد) تا امروز، نشان می‌دهد خدا با این ملت است.
- مصداق: تبیین اینکه دشمن به مرحله «التماس» و «بقا» رسیده و ما در حال تبدیل شدن به نظم جدید جهانی هستیم.

خروجی مورد انتظار: مبلّغی که با این منشور عمل کند، دیگر یک سخنران منفعل نیست؛ بلکه یک «مجاهد تبیین» است که ذهن مخاطب را از «بن‌بست» خارج کرده و به «افق روشن» متصل می‌کند.

مقام معظم رهبری:

تبلیغ صرفاً پاسخگویی به شبهه نیست، موضع دفاعی نیست؛ این جور نیست که ما خیال کنیم بنشینیم ببینیم چه شبهه‌ای وجود دارد، پیشگیری کنیم از آن شبهه، یا پاسخ بدهیم به آن شبهه؛ خب بله، این کار که واجب است، لازم است، اما فقط این نیست؛ طرف مقابل مبانی فکری دارد، باید به آن حمله کرد؛ طرف مقابل حرف دارد، فکر دارد، منطق دارد؛ مبانی این منطق، مبانی غلطی است؛ ما باید اینها را بشناسیم. در تبلیغ، موضع تهاجم لازم است. اگر چنانچه این موضع تهاجمی به معنای واقعی کلمه بخواهد تحقق پیدا کند، لازمه‌اش شناخت صحنه است.

بیانات در دیدار مبلغین و طلاب حوزه‌های علمیه سراسر کشور

۱۴۰۲/۰۴/۲۱



مراجعه به کتابخانه ملی و اسنادی